



حکمتیست
۲۹۶

۲۷ فوریه ۲۰۲۰ - ۸ اسفند ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

روز جهانی زن در ایران روز آزادی و برابری کامل زن و مرد!

حزب حکمتیست - (خط رسمی) صفحه ۲

**دوم اسفند، روز "نه" به جمهوری
اسلامی حزب حکمتیست (خط رسمی) ص ۷**

روحانی، گوبلز یا سعید الصحاف

مظفر محمدی

گوبلز وزیر تبلیغات آلمان نازی خدمت بزرگی به حکومت هیتلر کرد. او همیشه درباره "پیروزی نهایی" در آینده نزدیک میگفت و از اختراع سلاحهای معجزه آمیز خیالی خبر می داد. بعد از شکست آلمان در استالینگراد، گوبلز سخنرانی ای در برلین ایراد کرد که در آن این جمله مشهور خود را فریاد می زد: "آیا جنگ تمام عیار می خواهید؟"

و سعید الصحاف وزیر و سخنگوی دولت صدام، تبحر خاصی در بکارگیری کلمات نامانوس و پرت از واقعیات داشت. او تا آخرین لحظات پیش از سقوط بغداد همچنان همه چیز را تکذیب می کرد. وقتی ارتش آمریکا، فرودگاه بغداد را به کنترل خود در آورد، سعید الصحاف در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت نیروهای ایالات متحده که فرودگاه را تحت اشغال در آورده بودند، اکنون تسلیم افراد عراقی شده اند و در حال حاضر فرودگاه تحت کنترل نیروهای عراق است. او گفت تا پاکسازی کامل فرودگاه، خبرنگاران حق ندارند دخالت کنند و در جراید بنویسند. اما روحانی شبیه صحاف است نه گوبلز. گوبلز و دپارتماننش یکی از ابزارهای قدرتمند دولت هیتلر بود. اما روحانی بمانند صحاف که یک دلکدک دربار صدام و بی اختیار و هذیانگو بود به تمام معنای کلمه یک شیاد و سخنگوی بی خاصیت

بیت رهبری است. ص ۵

جهان در فاصله بین ۸ مارس پارسال تا ۸ مارس امسال، صحنه اعتراضات وسیع و جهانی علیه بی حقوقی زن، علیه این ستم قرون وسطایی، در جوش و خروش بوده است. بر متن منجلا ب جنگ و فقر و نامنی که قدرت های مخرب جهانی و محلی و منطقه ای بر سر بشریت در سراسر جهان خراب کرده اند، جنبش حق زن، جنبش رفع تبعیض و برای لغو ستمکشی زن و در اعتراض به خشونت علیه او، برای

پایان دادن به ستمی که از ارکان حفظ حاکمیت های ضد بشری امروز است، رادیکال و سازش ناپذیر برای یک دنیای بهتر فارغ از ستم و نابرابری، قد علم کرد. صفحه ۲



همه چیز "امنیتی" است! کرونا بی تقصیر است!

ثریا شهبابی

مدتی است که "ویروس کرونا" به ایران رسیده است و نام ایران هم به یکی از رتبه های ردیف اول در لیست جغرافیاهای آلوده در جهان که شیوع شتابان این ویروس در آن نگران کننده است، اضافه شده است. موضع سیاسی "مخالف" یا "موافقت" با جمهوری اسلامی و تعلق "جناحی" لازم ندارد، قدرت پیش بینی زیادی و "نوکر" بیگانگان یا "سرباز ولایت" بودن نمی خواست و نمی خواهد تا به محض بروز اولین نشانه های این اپیدمی در گوشه ای از جهان، اطمینان داشت که شتابان به ایران خواهد رسید و بسرعت گسترش خواهد یافت! چرا که حکومت ایران،

حکومتی که تمام امکانات و ثروت جامعه را در انحصار و در احتکار دارد و هرکس هم کمترین "توقع" در سطح انتظار "رعیت از ارباب" و "برده از برده دار"، "حیوان وابسته از صاحب خود" از مسئولین داشته باشد را یا پشت میله های زندان حبس و یا مخفیانه بر شقیقه ش شلیک میکند، ... صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

روز جهانی زن...

امسال هشت مارس را با گرامیداشت این جنبش و تعهد مشترک برای به پیروزی رساندن آن، باید برگزار کرد. در یک سال گذشته این جنبش نه فقط قوانین ضد زن، زن آزادی، آپارتاید جنسی و حاکمیت قوانین مذهبی که فقر و فلاکت را از ایران، عراق، لبنان، الجزایر و هند تا شیلی، آرژانتین، اسپانیا، یونان و فرانسه به چالش کشیده است. جنبشی که به یکی از ارکان جنبش‌های توده ای، رادیکال و آزادیخواهانه برای برابری، رفاه و علیه تبعیض و نابرابری تبدیل شده است. در ایران جنبش حق زن، در کنار مردم تحت ستم و سرکوب، یکی از خشن ترین حکومت های ضد زن که یک آپارتاید جنسی را بیش از چهار سال است به یک جامعه شهری و مردم متممندان تحمیل کرده است، را به لبه پرتگاه کشانده است. بیش از سه سال است که در سراسر ایران، زن و مرد و کودک، بزرگ و سالمند، شاغل و بازنشسته، کارگر و معلم و پرستار، کارمند، دانشجوی و صف عظیم و میلیونی که به فقر و بیکاری و محرومیت کشیده شده اند، به جدال این هیولای ضدزن، ضدشادی و زندگی، برخاسته اند. سه سالی که سرکوب های خشن و افسار گسیخته قادر نشد سیل عظیمی که جاری شده است را منحرف یا در مقابل آن سد ببندد! قادر نشد شعله امید به تغییر به قدرت خود را در دل میلیونها جوان، میلیونها دختر و پسر خوشبین به آینده و متنفر از تبعیض و دیوار جداسازی جنسی، خاموش کند! برعکس در مقابل خشم و انزجار مردمی که به خوبی دشمن شان را می شناسند، از همیشه مستاصل تر، بی دفاع

تر و ضعیف تر شده است. جنبشی که حکومت زن ستیز را به لبه پرتگاه کشانده است و در راس مبارزه برای لغو قوانین اسلامی و علیه بربریت و توحش آن، نه فقط شکست ایدئولوژیک و سیاسی جمهوری اسلامی را موجب شد که پایه پا و به موازات آن، همه نیروهای طرفدار "اسلام مدرن"، "آشتی حق زن و اسلام" را هم بی آبرو و از اعتبار ساقط کرد. این پیشروی بی تردید مدیون هژمونی جنبش عدالتخواهی کارگری در رویارویی و مقابله با جمهوری اسلامی است. جنبش آزادی و برابری، جنبش عدالتخواهی کارگری، جنبش برابری زن، علاوه بر آگاهی و شناخت از دشمن رو در رو، که چهل سال است فقر و فلاکت و آپارتاید جنسی و قوانین قرون وسطایی اسلامی را بر سرش خراب کرده است و امروز جامعه را به ورطه تباهی کامل کشانده است، بعلاوه از همه کسانی که تلاش کردند بعنوان "اپوزیسیون" درمقابل هر حرکت اعتراضی مردم، نقطه سازش هایی برای تسلیم شدن بگذارند، عبور کرده اند!

این جنبش سالها است از همه نقطه سازش های ارتجاعی و ضدزن و ضدانسانی، که تنها و تنها به وجود اختناق و دادن تصویر ابدی از آن زنده بود، عبور کرده اند! از نیروهای آبروباخته ای که از دو خرداد و لبخند خانمی و "دیالوگ تمدن ها" و "جنبش سبز" و "دولت اعتدال و امید"، کسب و کار سیاسی ساختند و وعده "گرفتن تدریجی حق زن" را دادند، عبور کرده است! این جنبش سالها است به جدال "دگراندیشان اسلامی"، اصلاح طلب و ضد تغییر رادیکال، کسانی که تعدد رنگ های روسری های

خانم های به اپوزیسیون رانده شده و حرف های نیم یز و بی محتوای شان در مجلس و این و آن وزارتخانه را نشان "پیشروی در حق زن" خواندند و خروار خروار سخنرانی و جایزه و تملق و تکبیر حواله هم کردند، دگراندیشان "فمینیست اسلامی" و توده - اکثریتی و اصلاح طلب نان به نرخ روز خور در طیف ملی - مذهبی ها، رفته و آنها را حاشیه ای و منزوی و سرخورده کرده است. سرخوردگی این طیف فرصت طلب، سرخوردگی جنبش حق طلبی زنان، جنبش رادیکال دفاع از حق زن نیست. سرخوردگی آنها، نشانه عبور جامعه از تلاش های آنها برای به سازش کشاندن میلیون ها انسان محروم در جامعه ایران و قدرتگیری و هژمونی گرایش سوسیالیستی در جنبش برابری زن است.

جنبش برابری زن و مرد، در بطن جنبش "اصلاح طلب اصول گرا، دیگه تمامه ماجرا"، سه سال است که با دختران خیابان انقلاب، در هشت مارس ها، در اول مه ها، در اعتصابات کارگری، در اجتماعات و اعتراضات دانشجویی، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، در کوچه و خیابان، با داشتن دهها و دهها زن چپ و سوسیالیست و عدالتخواه در صف مقدم فعالین و رهبران و سخنگویان خود، نشان داده است که ارتجاع حاکم اسلامی و ارتجاع گذشته غیراسلامی، را نمی خواهد! این جنبش به کمتر از آزادی و برابری، آزادی از تبعیض و اختناق و فقر، برابری در برخورداری از نعمات زندگی، راضی نیست. سه سال است که جنبش رهایی زن در ایران، با چهره ها، شخصت های رادیکال و سوسیالیست، انجمن ها و سازمان های کارگری و

دانشجویی و معلمی و مردمی خود، پرچم مطالبات ماگزیمال خود را در دست دارد! خواست های ماگزیمال چپ و سوسیالیستی که پا بر زمین جنبش واقعی در اعماق جامعه دارد. که همه آزادی و همه برابری را میخواهد! از لغو حجاب تا ممنوعیت حجاب کودکان! از آزادی و رهایی از مذهب تا بیمه بیکاری برای همه افراد آماده به کار، از ممنوعیت دخالت مذهب و خانواده در روابط خصوصی انسانها، تا لغو کامل آپارتاید جنسی! امروز جنبش برابری زن و مرد در ایران علاوه بر جنبشی برای لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی، که یکی از ارکان جنبشی است که از کارخانه تا مدرسه، از دانشگاه تا خیابان برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، بعنوان عامل و بانی زن ستیزی و فقر و استبداد و استثمار، با همه بنیادهای اقتصادی و سیاسی آن قد علم کرده است.

باید فراتر رفت! میتوان فراتر رفت! ماگزمالیسم جنبش چپ و سوسیالیستی ایران، باید تضمین کند که به تاخیر رضایت نمی دهد! باید تضمین کند که در راس و پیشاپیش اعتراض جامعه نسبت به بی حقوقی زن و برای احیای حرمت و شان انسانی زن، برای متحد و متشکل کردن و تامین رهبری خود، سیر سرنگونی جمهوری اسلامی ایران به رهایی زن، آزادی و برابری کامل زن و مرد، به انقلابی برای زیر و رو کردن بنیادهای این جامعه و دستیابی به وسیع ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی و به جنبش سوسیالیستی گره میزند.

زنده باد آزادی و برابری زن و مرد
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۶ اسفند ۹۸ (۲۵ فوریه ۲۰۲۰)

همه چیز امنیتی ...

شناخته شده تر از آن است که سرنوشت این اپیدمی و خطراتش نه تنها برای هشتاد میلیون جمعیت ایران، که برای منطقه و جهان، از پیش قابل پیش بینی نبوده باشد.

پذیرش کمترین مسئولیت در قبال تامین یک زندگی بخور نمیر برای هشتاد میلیون نفر چهل سال است که از این هیولا^۱ زیاده خواهی است! روزهایی هم که قادر نشده است از بار مسئولیت شانه خالی و از پاسخ گویی فرار کند، تنها و تنها به خاطر فشار و زور جامعه، زور جنگ حکومت شوندگان با او در همه سطوح و سلسله مراتب قدرتش، بوده است! جلوگیری از اشاعه بیماری و مقابله با زلزله و سیل و طوفان و ریزگردها و آلودگی محیط زیست در ایران همه "سیاسی" و "امنیتی" است و از منظر حکومت باید با آن طوری برخورد کرد که "دشمنان نظام" یعنی مردم نتوانند در مقابل حکومت فرصت عرض اندام بیابند!

از استاندارهای ایمنی زیست در جهان امروز و از "اعلامیه جهانی حقوق حیوانات" بخوانیم که میگوید: "حفظ امنیت حیوانات بر عهده سازمان

های دولتی است!" "به حق زندگی تمامی حیوانات باید احترام گذاشت"، از هر حیوانی که به انسان وابسته است باید به شایستگی نگهداری و مراقبت گردد". در کنار این استاندارد، در حالی که نگرانی و اضطراب از این اپیدمی و مخاطرات آن سراسر ایران را فرا گرفته است و "سازمان جهانی بهداشت" و "گزارشگران بدون مرز" در مورد خطرات پنهان کاری و اهمال حکومت تهران در مقابله با آن هشدار داده اند، در این شرایط عکس العمل خامنه ای و روحانی در مورد رابطه حکومت شان با "حفاظت" از هشتاد میلیون انسان گرفتار در چنگال شان، را بخوانید: رهبر جمهوری اسلامی در پیامی همزمان با یک تیر دوشان، مضحکه انتخابات شان را به "خطر کرونا" گره زد و با تاکید بر "درخشش مطلوب ملت ایران در امتحان بزرگ انتخابات مجلس" اعلام کرد: "در دو روز آخر نیز به بهانه یک بیماری و ویروس، رسانه های آنها (دشمن) از کمترین فرصت برای منصرف کردن مردم از حضور در انتخابات چشمپوشی نکردند." رئیس جمهوری هم، در نخستین جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا گفت: "نقشه ها و

توطئه های دشمنان ما هست که با هراس افکنی زیاد در جامعه کشور را به تعطیلی بکشانند." ایشان در ادامه نشست روز سه شنبه ستاد ملی مبارزه با کرونا تاکید کرده که "از روز سه شنبه همه چیز باید به روال عادی خود بازگردد و نقشه ها و توطئه های دشمنان موجب تعطیلی کشور نشود."

از مقام معظم که در فکر استفاده سیاسی و تولید "برکت" از "یک ویروس" است برای دامن زدن به تبلیغات مستهجن حول مضحکه انتخابات شان و پوشاندن کسادی مطلق بازار آن، تا رئیس جمهور "دولت اعتدال" شان که در فکر فرار از رویارویی با مردم است و مشغول خالی کردن بادگلو، همه و همه تلاش دارند که از این فاجعه هم برکت سیاسی برای بقا نظام، سرمایه بسازند.

باید مشت های گره کرده خود برای فرود آوردن بر سر هردو این مقامات و همه دوستان شان در حاکمیت و خشم برحق خود را، برای تعیین تکلیف نهایی، نگاه داشت! این درجه از وقاحت و بی شرمی، این درجه از دریدگی و به ریشخند گرفتن سلامت هشتاد میلیون نفر، تنها و تنها موقعیت پوسیده، پوشالی و

انگلی آنها در مقابل مردم و در منظر جامعه، را منعکس می کند! برای حکومتی که بیش از سه سال است نزد هشتاد میلیون نفر، نه تنها مطلقا مشروعیتی برایش باقی نمانده است که از حسابرسی، خشم و خیزش های پی در پی آنها خورد و خوراک ندارد، از امروز به فردا و از این لحظه به آن لحظه، خود را به زور سرپا نگاه داشته است، حکومتی که میداند رفتنی است و تا همین جا هم زیادی مانده است، میداند نمی خواهندش، میداند که دشمنان او، در صف محرومین و طبقه کارگر، زنان، معلمان و دانشجویان و پرستاران و بازنشستگان و بیکاران، کودکان کار، مردم سیل زده و زلزله زده در شهرها و روستاها، برای حمله در کمین اش نشسته اند و هر طرفدش نه تنها آنها را عقب نشانده، که خشمگین تر عزم شان را جزم تر کرده است، برای چنین جنازه عفونی "مردمداری"، "آبروداری" و بعنوان "مسئول" ابراز وجود جدی کردن، چه "اهمیت" و "فایده ای" دارد! برای این کالبد متعفن و پوشالی نشسته بر پول و اسلحه و زندان و ادم کشی، تنها و تنها یک قانون، یک منفعت، و یک اهمیت، وجود دارد. همه

چیز، به معنی واقعی کلمه، در خدمت بقا جنازه پوسیده اش، همه چیز در گرو حفظ "امنیت" نظام جهنمی اش!

ز منظر خامنه ای و روحانی و همه مقامات شان در سپاه و مجلس و وزارتخانه های متعدد، وقتی حکومت و نظام نباشد، تلاشی کامل جامعه، تلاشی جامعه هشتاد میلیونی، با انسانها و آب و هوا و طبیعت و حیوانات اش، بهایی است که باید پرداخت! اگر بتوانند و شانس و فرصت اش را بیابند، که همراه تلاشی خود، جامعه ای بزرگ و با انسانهای بیشمار را به لبه پرتگاه و تلاشی بکشانند!

در ایران اگر چهل سال گذشته در خفا و "پنهانی" همه چیز امنیتی بود! اگر در "ملا عام" و "ابراز وجود رسمی" امنیت جهنمی شان را "انتخاب مردم" از چهل سال قبل اعلام میکردند! اگر مقررات سرکوبگرانه شان از تحمیل حجاب و ممنوعیت کاندوم و موسیقی و مصرف مشروبات الکلی و تعیین سهمیه های جنسیتی و برگزاری امتحانات ایدئولوژیک در مدارس و دانشگاه ها تا سرکوب اعتصاب و اعتراض و اعمال حاکمیت اسلام و کنترل مطلق بر هر نوع ابراز وجود اجتماعی و ←

بیانیه حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها

فرهنگی و ورزشی و سینمایی تحت قوانین اسلامی را برای جامعه ایران "طبیعی" جلوه میدادند! امروز که پائین همه پرده های فریبکاری را تماما به قدرت خود دریده است و نظام را بعنوان دشمن مردم لخت و عور نمایان کرده و مورد هدف قرار داده است، برای این نظام، دیگر جایی برای عوام فریبی، "مردم داری" و فریبکاری بر جای نمانده است! سه سال است که علنا و رسماً همه چیز امنیتی است و چاره ای جز از ابراز علنی و "بی شرمانه" آن ندارند. پزشک قانونی دستور و نحوه صدور جوازهای مرگ، اعلام دلیل پزشکی مرگ و قتل مردم، از کشتارهای دیماه و آبانماه و حمله موشکی سپاه به هواپیمای پرواز داخلی تا قتل در زندان ها و مرگ بر اثر نوع بیماری، راه همه و همه مستقیماً و علناً از مقامات امنیت اجازه و دستور میگیرد! معلوم نیست چند نفر قربانی آنفولانزا چند نفر قربانی کرونا شده اند و چقدر امکانات پیشگیرانه در اختیار مردم قرار گرفته است. اعلام این ها، همه و هر روز و هر لحظه، "امنیتی" است! مطابق مقتضیات امنیت روز و "لحظه ای" نظام میتواند تغییر کند! امروز آمار و اظهارات مقامات در مورد دامنه گسترش شیوع ویروس کرونا هم، بسته به منفعت نظام، و بسته به حفظ "امنیت" آن در مقابل تعرض پایین، هر روز تغییر میکند! در چنین موقعیت

انگلی، حکومت سر کدام کیسه ذخایر نظام و هزینه های حفظ "امنیت" خود را شل کنند! به بودجه سپاه و بسیج و "ناجا" و دم و دستگاہ تبلیغات اسلامی و فیضیه و ریخت و پاش های شان در تحرکات میلیتاریستی در منطقه و خرج مراکز نظامی و سیاسی و مذهبی و دم و دستگاہ زندان و حاکمیت شان را، دست نمی زنند! چرا که "نظام شان به خطر" می افتد. همه چیز فدای حفظ نظام و جیب های گشاد مسئولین و مقامات آن، این اول و آخر استراتژی و تاکتیک امروز حکومتی است که از فردای ماندن خود مطمئن نیست! این ها نه میخواهند و نه میتوانند جامعه را در مقابل هیچ خطری، چه نظامی، چه تغییرات اقلیمی، چه شیوع بیماری و کرونا، حفظ کنند! خود یکی از "ویروس ترین ویروس" های جهان معاصراند، که به جان مردم در ایران انداخته شدند. تخم آن در ایران، چهل سال قبل با بازو و ماهیچه های جریان ضدکارگری - ضدکمونستی روز، کاشته شد! انگلی که چهل سال از پیکره جامعه ایران تغذیه و رشد کرد! پیکر و قامت بلند و عظیم جامعه ایران را فرسوده و بیمار کرد! و امروز که با مقاومت و جدال تک به تک همه سلول های بیمار، دفع میشود و به لبه گور و آخر عمرش رسیده است، کمر به کشتن بیماری داد که سه سال است جان تازه ای گرفته است! تا اگر بتواند و

فرصت کند، مرگ خود را با مرگ بیمار همراه کند! امکان و فرصتی که سه سال گذشته نشان داده است که مردم به سادگی در اختیار انگلی که سراسر پیکر جامعه شان را گرفته است، قرار نمی دهند. نگاهی به لیست ابتکارات و اقدامات جمعی و فردی شهردان در سراسر کشور، برای مقابله با هراس و "پانیک" فلج کننده، و برای کمک و همیاری جمعی برای مقابله با این اپیدمی، کافی است که نشان دهد که، بی اعتمادی برحق مردم که چنان دامنه وسیع و گسترده ای دارد که به هیچ آمار و وعده رسیدگی حکومت و مسئولین اعتماد نمی کنند، همراه خود به چه دخالت ها و ابتکارات عظیمی دامن زده است. در دل این بی اعتمادی مطلق به حکومت و مسئولین، ما به ازای اجتماعی از پائین برای فشار به بالا برای اختصاص دادن امکانات براه افتاده است. مردم دست به کار شده اند! خود برای حفاظت از بخش های ضعیف تر و آسیب پذیر تر، از کودکان کار تا زندانیان سیاسی، در محل های کار، کارخانه ها و ادارات و شهرها و روستاها و مراکز تحصیل، با ابتکارات بی شمار، دست به کار شده اند. باید مجبورشان کرد! امکانات را به زور گرفت! متحد و متشکل در کمیته ها، انجمن ها، سندیکاها، اتحادیه ها، مجامع عمومی، از طریق شبکه های اجتماعی و... و به هر شکل و در هر سطحی، اجازه نداد

که فرصت کنند به قیمت ادامه بقا شان، جان و سلامت حتی یک نفر را به خطر اندازند. ویروس کرونا و گسترش آن، جهانی را به تناسب جغرافیایی که در آن زندگی میکنند، به هراس و نگرانی انداخته است. چشم جهانیان به کشف واکسن این ویروس برای کنترل آن است و بنظر میرسد که پروسه کشف واکسن بیش از آنچه که تصور می شد، به درازا خواهد کشید. این اپیدمی هم که هنوز ریشه و علت ظهور آن کاملاً روشن نیست و تحت الشعاع تبلیغات کمپانی ها و دولت ها و معادلات قدرت و رقابت و منافع آنها است، در ایران بیش از هر جای دیگری توسط حاکمیت دستمایه منافع سیاسی شده است. در ایران اعلام اینکه ویروس کرونا در جامعه بروزی داشته است یا نه، دستمایه گرم یا سرد نگاه داشتن بازار مضحکه انتخابات میشود! جناح ها و دستجات قدرت در مجلس و وزارت خانه ها و بیت رهبری، هر کدام مشغول دوختن کلاه نمدی برای خود، از یک فاجعه انسانی در کمین مردم اند! نظامی که زیر فشار انفجارات اعتراضی پی پی علیه فقر و اختناق و فساد و گندیدگی بر لبه پرتگاه سقوط رسیده است، تلاش میکند از این ویروس هم "برکتی" برای پنهان کردن مسئولیت اش در فقر و بی حقوقی و ناامنی و بی امکاناتی اکثریت هشتاد میلیون شهروندان جامعه

بسازد و مرگ و خطر گسترش این فاجعه انسانی را هم به تحریم ها و جنگ با آمریکا مربوط کند و برای حفظ خود، به قیمت به خطر انداختن جان و سلامت میلیون ها نفر، سنگر دفاعی بسازد! این نقطه سازش، استفاده سیاسی از ویروس "کرونا" و عواقب مرگبار آن برای مردم ایران را باید و میتوان به نیروی متحد و متشکل خود خنثی و بی اثر کرد. دخالت وسیع مردمی، ایفای نقش رهبران عملی و پیشروان و دست اندرکاران مبارزات کارگری و مردمی، تنها ضامن حفظ امنیت و سلامت جامعه است. در ایران، کاپیتان، سکانداران و همه خدمه کشتی، به محض تلاطم، تلاش میکنند که خود را حفظ کنند! با قایق های بادی یا به فرار میگذارند! سکان و کشتی را رها و بدست امواج سرگردان دریاها و طوفان ها می سپارند! "کرونا" بی تقصیر است! اینجا همه چیز "امنیتی" و قربانی بقا نظام است! تا دیر نشده است باید کاپیتانها و سکانداران، خدمه و پرسنل خود را وارد میدان کرد.

حکمت را
توزیع و پخش
کنند!

روحانی، گوبلز ...

سخنگوی بی اختیاری که وظیفه اش فقط وارونه کردن و دروغ و پنهانکاری و تخریب و ترشحات ذهن فاسد و بیمار خود و رهبری اش بجای واقعیات آشکار است. روحانی سعید الصحاف ایران است.

به زعم روحانی، سپاه و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به فرمان بیت رهبری در خیزش دیمه صدها نفر را نکشت. رهبران کارگری و فعالین سیاسی را شکنجه نشدند. در ابان ماه بیش از هزار انسان معترض را در خیابان ها نکشتند. ده هزار اسیر و زندانی از مردم نگرفتند. هواپیمای حامل مسافرین کشور خود را با شلیک موشک منفجر نکردند. ویروس کرونا هم همانطوریکه ارتش امریکا به بغداد نرسید، تمام کشور را فرا

نگرفته است. کشور بحران اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ندارد. اقتصاد مملکت خوب و با ثبات است. کار هست و مردم تنبل اند و کار نمی کنند. روحانی شاید به فرمان سپاه و اطلاعات گفت اعترافات اجباری را از تلویزیون پخش کنید!!!

سعید الصحاف سخنگوی صدام تسلیم شد و به ابوظبی رفت. اما روحانی و بیت رهبری تسلیم مردم نمی شوند. این ها آب از سرشان گذشته و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. این حکومت و شیادانش همه ابزارهای تحمیق و فریب و سرکوب را آزمایش کردند و خلع سلاح شدند. تنها ابزار باقیمانده ی امروزشان شیادی است. وقاحت و پررویی و بی شرمی شان مرزها را در نوردیده و شهره ی

خاص و عام است. این ها دیگر ابرویی برای حفظ کردن ندارند. برای روحانی و دولت بی اختیار و تحت فرمان بیت رهبری اش، خیزش دیمه، اعتصابات کارگری، اعتراضات معلمان و بازنشستگان، مبارزه زنان برای برابری، خیزش آبان ماه، مبارزه برای گرفتن معوقه ها، حتی شیوع بیماری کرونا کار دشمن فرضی است. این رژیم از سایه خود هم می ترسد. این عاقبت همه ی نظام های مستبد و سرانجام همه ی شیادان تاریخ است.

بورژوازی چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون همگی فاسد و تبهکارند. روسای جمهوری ایران از اولین تا آخرین شان در زمره فاسدترین و تبهکارترین نمایندگان طبقه ای هستند که تا به امروز خون مردم

ایران را در شیشه کرده اند. در میان این سردمداران اما حسن روحانی گوی سبقت شیادی و شرارت و بلاهت و وقاحت را از بقیه ربوده است.

روحانی عصاره ی تبهکاری همه ی اسلاف خود است. این مردک باید هر روز در آینه خود را ببیند و بپرسد آخر مرتیکه تو کاره ای هستی؟ کسی برای افاضات تهوع آور تو تره خرد می کند؟ این ملیجک در بار خامنه ای هر چه دم تکان می دهد هنوز در بارگاه رهبری نظام مهره ای بی خاصیت و ابزاری تمسخر آمیز بیش نیست.

روحانی گفته است "اعتماد مردم اصل است." این رازمانی می گوید که ۸۰ در صد واجدین شرایط، رای عدم اعتماد خود را به مجلس و نظامش دادند. برای روحانی هذیان گویی اصل



است. این مرتیکه ی لمپن و شیاد، با سیاسی و امنیتی کردن سلامت و امنیت جانی جامعه، با نفس زندگی و زنده ماندن مردم بازی می کند و به شیوه دلچسبی و تهوع آور، بر کشتار و گورهای قربانیان کرونا می خندد. دستگاه رهبری رژیم و دولت این جانی بالفطره، هنوز بودجه ی لازم برای مقابله با این بیماری را تعیین و اعلام نکرده است.

حسن روحانی یک موجود روانی بازنده است که قبل از قرنطینه کردن قم و دیگر محل های آلوده به ویروس کرونا، خود او باید قرنطینه شود. او را باید در سلولی انداخت ... ←

انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلیه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.

و لگام زد تا ویروس دروغ و پنهانکاری و شیاداش جامعه را الوده نکند و مخل و مضر واقع نشود. آیا ابتلای حریجی معاون وزارت بهداشت به کرونا را باید باور کرد؟ لمپن دروغگویی که کشتار کرونا را در قم تکذیب کرد و می بایست استعفا کند، با خونسردی اعلام می کند "من هم کرونایی شدم". او خود را خانه نشین کرده است تا بگوید، ببینید من در خانه مانده ام و حالمم خوب است پس کرونا را جدی نگیرید. آیا او نمی خواهد با این شگرد از زیر بار بی ابرویی در برود و در پستش باقی بماند؟! به همه چیز شیادان این نظام باید شک کرد. نظام فاسد و بی ابروی جمهوری اسلامی در بحران مرگبار کرونا مردم را با آوردن سنگ مهره و سجاده به نماز جمعه و در واقع به جهنم کرونا دعوت می کند. این عین جنایت علیه بشریت است.

هذیان روحانی در مورد باز شدن مدارس و برگشتن جامعه به حالت عادی، بزرگ ترین جنایت نسبت به مردم ایران است. مردم ایران بر خلاف نظام جهنمی و فاسد جمهوری اسلامی و برخلاف هذیان های روحانی شیاد، خطر کرونا را جدی می گیرند. مردم آستین ها را بالا می زنند و خود در یک تلاش قهرمانانه، جمعی و متحدانه در مقابل دشمن ناشناخته ی کرونا می ایستند. کمیته های مردمی دفاع از جامعه در مقابل این بیماری مهلک و نمایندگان دلسوز جامعه بخصوص در بخش بهداشت و پزشکی، گزارشهای واقعی به مردم می دهند. محل های جدید ابتلا به کرونا را شناسایی و قرنطینه می کنند. مدارس و دانشگاه ها و تجمعات را تعطیل می کنند. می خواهند زندان ها از زندانیان تخلیه شده و پادگان ها و جان سربازان و درجه داران از ابتلا به بیماری کنترل شوند. ژنرال های سپاه و مقامات مذهبی و سیاسی، از همه امکانات مقابله با کرونا برخوردارند. مردم سازمان یافته و دخالتگر و مسوول جان انسان ها، باید خواستار فوری در اختیار گذاشتن همه ی امکانات تشخیص و شناسایی و کنترل و درمان این بیماری شوند. در جامعه ی تحت تسلط شیادان، مردم نمی توانند دست روی دست بگذارند. راه مقابله با کرونا فردی و هر کس برای خود نیست. یک جنبش عظیم انسانی و اجتماعی برای مقابله می طلبد. جنبش مردمان آگاه، با معرفت و با احساس مسوولیت نه تنها برای حفظ سلامت خود بلکه برای حفظ سلامت جامعه که حفظ خود در گرو آن است.

مراکز بهداشتی را زده و در منازل خود و در میان خانواده هایشان و حتی در میان مردم بسر می برند. این تسلیم و خودکشی را نباید پذیرفت. مراکز بهداشتی و پزشکان و پرستاران با روی گشاده و احساس مسوولیت برای تشخیص بیماری و راه های چاره ی آن به مردم کمک می کنند و چه بسا در این راه جان خود را بخطر انداخته اند. این ها شریف ترین و مبارزین جنگجویان صف مقدم مقابله با بیماری کرونا هستند. همزمان مسوولین و دکترهای مراکز بهداشت و درمان نباید تسلیم تهدیدها و ممنوعیت های اعلام خبر شیوع بیماری، میزان مبتلایان و کشتار مردم توسط کرونا شوند! شرافت و شهامت و وجدان چیزی است که امروز بیشتر از هر زمان جامعه ی پزشکی و بهداشت و درمان و خبرنگاران و

ما همه کمونیستها، همه

رهبران دلسوز و

هوشیار طبقه کارگر،

همه زنان و جوانان

فعال و رادیکال را

برای تامین شرایط

پیروزی این

اعتراضات، به اتحاد

حول "منشور

سرنگونی جمهوری

اسلامی ایران"

فرامیخوانیم.

بی تردید پیروزی

اعتراضات برابری

طببانه در ایران پیش

درآمد تحولات انقلابی

در خاورمیانه و جهان

خواهد بود.

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید!

دوم اسفند، روز "نه" به جمهوری اسلامی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

نشریه هفتگی
حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
[@Hekmatistx](https://t.me/Hekmatistx)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

خیزش دیمه ۹۶ آغاز
پایان جمهوری اسلامی
بود. طبقه کارگر در
اعتصابات خود، بویژه در
جنوب، مهر گرایش
سوسیالیستی خود را به
جنبش‌های اعتراضی
پسا دیمه زد. خیزش
عظیم آبان و دیمه ۹۸
حکم قطعی به سرنگونی
رژیم بود و دوم اسفند
۹۸ با شکست قطعی
نمایش انتخاباتی، میخی
بر تابوت حیات سیاه
جمهوری اسلامی زد.

عدم شرکت مردم در
نمایش بیحقوقی خود،
عدم حضور در مراسم
"مشروعیت دادن" به
مجلس جانیان و قاتلین
مردم در سراسر ایران،
بدنبال سوت و کوری
مراسمهای دهه فجر و
افتضاح سیاسی
حاکمیت، یک رفراندوم و
یک "نه" قطعی به کلیت
جمهوری اسلامی بود.
مردم ایران با عدم
شرکت خود، از خون
ریخته شده فرزندان
خود و همه انقلابیون و
از حرمت و انسانیت و
آزادیخواهی هزاران
اسیر و زندانی خود
دفاع کردند.

این پیروزی یک
قدردانی با شکوه از
جانباختگان دی و آبان
و کارگران و معلمان و
آزادیخواهان در

بازداشتگاه‌ها و انتقام
گیری از اعترافات زیر
شکنجه اسرای در بند
ما است. این پیروزی
پیمان مجدد طبقه
کارگر و مردم آزادیخواه
برای تشدید مبارزه
علیه حاکمیت فقر و
فلاکت و استبداد است.
این پیروزی در همان
حال رای قاطع "نه" به
همه آلترناتیوهای
اپوزیسیون راست،
پیروزی طبقه کارگر،
کمونیسم اش و مردم
آزادیخواه بود!

ظاهراً سران جمهوری
اسلامی از اینکه "بحران
انتخابات" و کابوس
تبدیل آن به رودرویی
آشکار با مردم
آزادیخواه را از
سرگذراندند در پوست
خود نمیگنجد. اما
پشت این "خلاصی" از
کابوس سایه بحرانهایی
عمیق تر را میبینند.
بحران عدم مشروعیت
ظاهری و صوری
"منتخب مردم"، بحران
تشتت در بالا و شروع
تصفیه‌های درونی،
"بحران" رودرویی با
مردمی که با علم به
قدرت خود، با علم به
ضعف و تشتت بالا، خود
را برای جدال نهایی
آماده میکنند، "بحران
سرنگونی و انقلاب!"

امروز جنبش سرنگونی
با تجارب گرانبهای
مستمر دو ساله به حد
بالایی از بلوغ، هشیاری،
اتحاد و همبستگی و
سازمانیافتگی رسیده
است. امروز بیش از هر
زمان جامعه ایران به
نفی اصلاح طلبی درون
و برون رژیمی، به نفی
راه حل‌های بورژوایی و
ضد انقلابی رسیده و به
افق آزادی و برابری و
حاکمیت شورایی
نزدیک تر شده است.
امروز بیش از هر زمان
جامعه ایران شاهد
پولاریزاسیون، قدرت
طبقاتی کارگران و
حضور اجتماعی چند ده
میلیونی زحمتکش
جامعه است. امروز بیش
از هر دوره در تاریخ
چهار دهه مبارزه علیه
ستم و سرکوب و
تبعیض و فقر و بیکاری
و زندگی زیر خط فقر
اکثریت مردم، امکان
قدرتگیری کمونیسم و
تامین آزادی و برابری
برجسته و عیان شده
است.

خود نزدیک شده است.
امروز برای کمونیسم،
کمونیست‌های طبقه
کارگر و جامعه، تحزب
کمونیستی به ضرورتی
حیاتی و عاجل تبدیل
شده است. کمونیسم ایران
امروز به مانیفست و برنامه
یک دنیای بهتر، حقوق
جهانشمول انسان، منشور
سرنگونی جمهوری
اسلامی و تجارب تاکتیک
های مبارزاتی و شعارهای
طبقاتی و سوسیالیستی
بویژه در دو سال اخیر،
مسلح است و طبقه کارگر
ایران و کمونیستهای این
طبقه، بیش از هر زمان
دیگر به قدرت و پیروزی
نزدیک تر شده است.

حزب حکمتیست (خط
رسمی)، کمونیست‌های
طبقه کارگر و جامعه را به
اتحاد و تحزب حول برنامه
کمونیستی، منشور
سرنگونی بعنوان سکوی
پیشروی به سوی
سازماندهی مبارزه
متحدانه و همبستگی
سراسری طبقه کارگر فرا
می خواند!

زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط

رسمی)

۳ اسفند ۹۸

(۲۳ فوریه ۲۰۲۰)